

رسالت دانشگاه در منظر امام خمینی

□ دکتر سید علی آدمی

سر آغاز

در اندیشه اسلامی، همواره علم و علم آموزی با تهذیب و دینداری همراه بوده است و این، حکایت از تقدس فرایند تعلیم و تربیت دارد. تأکید مکرر قرآن بر تهذیب و تعلیم، دو رسالت بزرگ پیامبران، الگوی روشنی را فرا روی کسانی می‌نهد که گام در راه پیامبران می‌گذارند و رسالت آموزش و راهبری را بر دوش می‌کشند.

در نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران نیز که بر آموزه‌های دینی ابتناء یافته است، معلم، مربی و استاد از شأن و منزلتی ویژه برخوردارند. استاد علاوه بر انتقال دانش، در شکل‌دهی به شخصیت آموزندگان علم نیز مؤثر است. او کارگزار فضیلت بخشی که خود مقدمه بینش و شناخت می‌باشد، محسوب می‌گردد. چنین شناختی مانع از بکارگیری علم در مقاصد غیر الهی می‌شود.

از سوی دیگر نیز بر آموزنده علم فرض است که در کنار هر گام برای تحصیل علم، یک گام هم برای تحصیل اخلاق و تهذیب بردارد. (صحیفه امام، ج ۲، ص ۳۷)

در نوشتار حاضر به رسالت دانشگاهیان از منظر بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی (ره) می‌پردازیم. بدین منظور جایگاه و اهمیت دانشگاه را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم و متناسب با آن به نقش دانشگاهیان، اعم از اساتید و دانشجویان توجه می‌نماییم. (همان، ج ۸، ص ۶۱)

رسالت و وظایف دانشگاه

«دانشگاه مرکز سعادت و در مقابل، شقاوت یک ملت است. از دانشگاه باید سرنوشت یک ملت تعیین شود. دانشگاه خوب یک ملت را سعادت‌مند می‌کند و دانشگاه غیر اسلامی، دانشگاه بد، یک ملت را به عقب می‌زند.» (همان، ج ۸، ص ۶۱)

این فراز از سخنان حضرت امام خمینی به خوبی اهمیت و جایگاه والای دانشگاه را نشان می‌دهد. متناسب با این جایگاه، امام خمینی رسالت و وظایفی را برای دانشگاه بیان می‌کند که از خلال سخنان ایشان قابل استخراج است. رسالت و وظایف دانشگاه از منظر امام خمینی در ۳ مقوله جای می‌گیرد:

اول: انسان سازی

دوم: قطع وابستگی و استقلال کشور

سوم: حفظ و تداوم انقلاب اسلامی

در ادامه به توضیح و تبیین هر یک از مقوله‌های فوق می‌پردازیم.

اول: انسان‌سازی

قدر مسلم دانشگاه در کنار خانه و مدرسه، به عنوان مهد تربیتی می‌توان متصور شد که محصولات آن به سبب پیوند وثیق با بخش‌های مختلف کشور باید از قابلیتی منحصر به فرد برخوردار باشد. بنا به تعبیر امام خمینی: «ما انسان دانشگاهی می‌خواهیم، نه معلم و دانشجو. دانشگاه باید انسان ایجاد کند و انسان بیرون بدهد از خودش... انسان حاضر نمی‌شود که کشور خودش را تسلیم کند به غیر. انسان حاضر نمی‌شود که تحت ذلت برود و اسارت. آنها هم از انسان می‌ترسند.» (همان، ج ۱۳، ص ۴۱۷)

دانشگاه انسان‌ساز بدون تردید نیازمند دو رکن انسان‌ساز استاد و دانشجو است. کارگزارانی

که هر یک سهم ویژه‌ای در تحقق این رسالت دانشگاه دارند:



□ حضرت امام ابتدا با خاطرنشان نمودن جایگاه مهم اساتید دانشگاه، به تبیین و تشریح وظایف آنان می‌پردازند. از منظر ایشان اساتید باید سایه انبیاء باشند و متناسب با آن مسئولیت نیز زیاد می‌گردد. مهم‌ترین مسئولیت اساتید، انسان‌سازی است

الف) اساتید دانشگاه و انسان‌سازی

حضرت امام ابتدا با خاطرنشان نمودن جایگاه مهم اساتید دانشگاه، به تبیین و تشریح وظایف آنان می‌پردازند. از منظر ایشان اساتید باید سایه انبیاء باشند و متناسب با آن مسئولیت نیز زیاد می‌گردد. مهم‌ترین مسئولیت اساتید نیز انسان‌سازی است. (همان، ج ۱۴، ص ۲۹۲)

امام خمینی در جای دیگر می‌فرماید:

«روحانیون با دانشگاهی یک مسیر دارند و مسئولیت این دو طایفه از همه طوایف دیگر بیشتر است. برای اینکه اگر چنانچه به شرایط عمل بشود انسان درست می‌شود.»

(همان، ج ۷، ص ۴۶۷)

با توجه به تعابیر فوق، انسان‌سازی را می‌توان مهمترین رسالت اساتید فرض کرد. اما به منظور تحقق این امر نیاز به برداشتن گام‌های دیگر به اقتضای فضا و شرایط موجود هستیم. انقلاب اسلامی ایران در شرایطی به پیروزی دست یافت که مردم جامعه اسیر و گرفتار عادات و خلق و خوی دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی بودند. لذا در بادی امر، اصلاح فکری جوانان و به ویژه دانشجویان ضروری می‌نمود. حضرت امام در اوایل پیروزی انقلاب در جمع وزیر و مسئولان وزارت بهداری و بهزیستی می‌فرماید:

«ما الان جمعیتی هستیم که از حبس بیرون آمدیم، از آن حبس‌های طول پنج‌ساله. حالا ما بیرون آمدیم... لکن از این حبس که بیرون آمدیم، باز یک گرفتاری‌های زیاد دیگری داریم که در رأس همه گرفتاری‌ها، همین گرفتاری فکری است... این را باید اساتید دانشگاه، معلمین-آموزگارها- این را باید بچه‌های ما را از این انگل بودن و از این افکار بیرون بیاورند.»

(همان، ج ۱، ص ۱۸۱)

اصلاح فکری و به تعبیر امام «از بین بردن گرفتاری فکری» در رشد و توسعه آتی کشور هم مؤثر است. چرا که وابستگی فکری روشنفکران جامعه منجر به وابستگی کشور در حوزه عملی نیز می‌گردد. چنانکه تاریخ نیز شاهد بوده است، روشنفکران غرب زده نقش حلقه واسط میان استعمار و استبداد را بازی کرده‌اند. ملکم‌خان‌ها، تقی‌زاده‌ها و فروغی‌ها همواره توجیه‌گر حکومت استبدادی و حافظ منافع بیگانگان بوده‌اند. (علی‌جانی، ص ۱۲۴)

در کنار این امر محیط‌های آموزشی نیز باید مصون از فساد و آلودگی باشند تا نهالی که بناست در آینده تبدیل به درختی تنومند و پربار گردد و از ثمره آن، اعضای جامعه بهره‌مند شوند، از بستر رشد و بالندگی برخوردار گردد. امام خمینی بر این نکته تصریح دارند که:

«بر اساتید و معلمان متعهد است که با تمام توان و قدرت، در شناسایی عوامل فساد کوشش کنند و محیط‌های آموزشی و پرورشی را از لوٹ وجود آنان پاک نمایند.»

(صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۴۴)

بی‌شک با پیمودن مسیر یعنی توجه و التفات به جایگاه اساتید دانشگاه در تربیت دانشجوی، اصلاح فکری و بازسازی محیط‌های آموزشی، افرادی متعهد و متخصص به جامعه تقدیم می‌گردد. در این راستا می‌توان به این فراز از سخنان بنیان‌گذار انقلاب اسلامی اکتفا کرد که:

«امیدوارم با کوشش اساتید و معلمین، وضع به صورتی درآید که فردی که دوره درسی‌اش تمام شد، فردی متعهد بارآمده، فردی که بداند برای کشورش خدمت کند و کاری به رضایت کشورهای بیگانه نداشته باشد.»

(صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۲۲)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

ب) دانشجویان و انسان‌سازی

یکی از انتظارات امام خمینی در بعد انسان‌سازی از دانشجویان، تزکیه نفس است. شاید بتوان این امر را بدین صورت تعبیر نمود که دانشجو با توجه به رسالتی که در جامعه بر عهده دارد، ضروری است در مرحله نخست درون را بنگرد و نفس خویش را مهار کند. گو اینکه نفس به اسب سرکشی می‌ماند که موجب هلاکت انسان می‌شود. لذاست که حضرت امام خطاب به



□ «کوشش کنید که در این دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها که هستید، ایمان را در خودتان تقویت بکنید. ایمانی که هم در اینجا شما را شرافتمند می‌کند و هم در پیشگاه حق آبرو دارید و با آبرومندی وارد می‌شوید به حق تعالی»

دانشجویان می‌فرمایند: کوشش کنید که هر قدمی که برای علم برمی‌دارید، برای عمل ظاهری و برای اعمال باطنی، ایجاد تقوی در خودتان، ایجاد استقامت، امانت در خودتان بکنید که وقتی از دانشگاه ان‌شاء... بیرون می‌آیید یک انسانی باشید که هم معلومات داشته باشید و هم امانت‌دار باشید... نفس خود را مهار کرده باشید». (همان، ج ۹، ص ۳)

همچنین ایشان با مخاطب قرار دادن دانشجویان جهت تقویت ایمان گوشزد می‌کنند که: «کوشش کنید که در این دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها که هستید، ایمان را در خودتان تقویت بکنید. ایمانی که هم در اینجا شما را شرافتمند می‌کند و هم در پیشگاه حق آبرو دارید و با آبرومندی وارد می‌شوید به حق تعالی».

(همان، ج ۱۲، ص ۴۰۳)

در این مقام، شناخت اصول اساسی اسلام که در رأس آن توحید و عدل و شناخت انبیایی بزرگ است (همان، ج ۳، ص ۳۲۶) ضروری می‌نماید.

قدر مسلم پس از کف نفس و تزکیه درون، مسئولیت دانشجویان نسبت به جامعه مطرح می‌گردد. امام خمینی در جایی، بیدارسازی خفتگان را خاطر نشان می‌کنند:

«بر شما جوانان روشنفکر است که از پای ننشینید تا خواب رفته‌ها را از این خواب مرگبار برانگیزانید و با فاش کردن خیانت‌ها و جنایت‌های استعمارگران و پیروان بی‌فرهنگ آنها، غفلت‌زده‌ها را آگاه نمایید.»

(همان، ج ۲، ص ۱۴۲)

همچنین ایشان در خصوص آگاه‌سازی ملت‌ها می‌فرمایند:

«بر شما جوانان ارزنده اسلام، که مایه امید مسلمین هستید، لازم می‌باشد که ملت‌ها را آگاه سازید و نقشه‌های شوم و خانمان سوز استعمارگران را برملا نمایید.»

(همان، ج ۲، ص ۴۳۹)

برخورد با منحرفین و اساتید منحرف، محور دیگر انتظارات حضرت امام خمینی از دانشجویان می‌باشد.

«اگر از استادان و دبیران و سران قوم، انحرافی از مقاصد ملی و دینی که سرنگونی رژیم پوسیده در رأس آن است، دیدید، شدیداً اعتراض کنید و راه ملت را که راه خداست به آنان پیشنهاد کنید و در صورتی که نپذیرفتند، از آنان احتراز کرده و صریحاً مقاصد منحرف آنان را برای مردم مظلوم شرح دهید.»

(همان، ج ۳، ص ۴۸۴)

امام خمینی در جای دیگری می‌فرمایند:

«دانشگاه که باز شده است، بدانند این جوان‌ها که دست‌ها ممکن است در کار باشد که باز مسائل را طور دیگری کنند و شماها را منحرف کنند. همان دفعه اولی که شما از یک استاد یا از یک دانشجو یک چیز انحرافی دیدید، همان دفعه اول گزارش بدهید تا جلوی‌ش گرفته شود.»

(همان، ج ۱۷، ص ۱۵۶)

با این اوصاف، رئوس مقوله انسان‌سازی با رویکرد رسالت دانشجو، در قالب دو گام ایجابی و یک گام سلبی تعریف می‌شوند که عبارتند از تزکیه نفس، بیداری و آگاه‌سازی ملت‌ها و برخورد با منحرفین.

دوم: قطع وابستگی و استقلال کشور

شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» به وضوح گویای شأن و جایگاه استقلال در نظام جمهوری اسلامی است. دانشگاه نیز که بنا به تعبیر حضرت امام مبدأ همه تحولات است به طریق اولی باید از استقلال برخوردار باشد. بدین نحو پویایی و زایایی مورد انتظار تحقق می‌پذیرد. امام خمینی (ره) با ملاحظه این مطلب می‌فرماید:

«اگر دانشگاه‌ها درست نشود و مدرسه‌های ما هم درست نشود، امید اینکه یک جمهوری اسلامی ما پیدا کنیم نداریم. اگر این دو قشر تربیت شدند، به طوری که اسلام می‌خواهد، تربیت





انسانی شدند، هم مملکت ما مصون می‌شود از تصرف شیاطین و روی چرخ خودش گردش می‌کند بدون وابستگی به خارج و بدون خیانت‌های داخلی و هم ترقیات حاصل می‌شود برای شما».

(همان، ج. ۹، ص ۳)

تأکید حضرت امام بر استقلال‌طلبی و قطع ریشه‌های وابستگی، بیانگر ماهیت ضد استعماری و سلطه ستیز نهضت اسلامی ایران است. ایشان عامل فروپاشی حکومت پهلوی را متکی نبودن آن به قدرت ملت و اتکا به بیگانگان می‌دانستند و با حکومت شاه از آن جهت به مبارزه برخاسته بودند که به بیگانگان و عوامل استعمار خارجی اجازه داده بود تا در امور مملکت اسلامی دخالت کنند.

(دهشیری، ص ۱۰۱)

متناسب با بخش پیشین، مقوله «قطع وابستگی و استقلال کشور» از منظر امام خمینی را در قالب انتظارات و رسالت اساتید و دانشجویان مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف) اساتید دانشگاه و قطع وابستگی و استقلال کشور

اصلاح فرهنگ و استقلال فرهنگی از دید بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حرکتی بنیادی

و اساسی محسوب می‌شود. ایشان در این باره تأکید می‌کنند که:

«ملت عزیز ایران و سایر کشورهای مستضعف جهان اگر بخواهند از دام‌های شیطنت‌آمیز قدرت‌های بزرگ تا آخر نجات پیدا کنند، چاره‌ای جز اصلاح فرهنگ و استقلال آن ندارند، و این میسر نیست جز با دست اساتید و معلمان متعهدی که در دبستان‌ها تا دانشگاه‌ها راه یافته‌اند».

(صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۴۴۵)

امام خمینی طی پیامی به مناسبت بازگشایی مدارس و دانشگاه‌ها خطاب به اساتید، دانشجویان و دانش‌آموزان می‌فرماید:

«بزرگترین فاجعه برای ملت ما این وابستگی فکری است که گمان می‌کنند همه چیز از غرب است و ما در همه ابعاد فقیر هستیم و باید از خارج وارد کنیم. شما استادان و فرهنگیان و دانشجویان دانشگاه‌ها و دانش‌سراها و نویسندگان و روشنفکران و دانشمندان معظم باید کوشش کنید و مغزها را از این وابستگی فکری شستشو دهید و با این خدمت بزرگ و ارزنده، ملت و کشور خود را نجات دهید».

(همان، ج ۱۰، ص ۷۹)

در ادامه مسیر، اساتید موظفند فضای یأس و ناامیدی در دانشگاه‌ها را از بین ببرند و با ایجاد فضایی پر نشاط، چشم‌انداز مناسبی را برای ایفای نقش مستقل دانشجویان ترسیم نمایند.

«امروز بر دانشمندان بزرگ و مبلغان اسلامی واجب است هرچه سریع‌تر به این امر حیاتی اقدام کرده، ناامیدی را از دل‌های خود و از دل‌های طلاب و دانشجویان و... دور کنند و بدانند که ناامیدی، سرچشمه سستی و مانع اصلی رسیدن به حق است».

(کتاب البیع، ص ۵۶)

در تکمیل این اقدام، اساتید باید به ایجاد خودباوری در دانشجویان همت گمارند:

«شماهایی که در دانشگاه هستید و دانشمندان هستید و متفکر هستید، این جوان‌های ما را یک جوهری بار بیاورید که خودشان بفهمند که خودشان یک چیزی‌اند».

(همان، ج ۱۲، ص ۲۵)

در واقع موارد مذکور را در راستای نیل به استقلال فکری دانشجویان باید تصور کرد و این خود زمینه را برای قطع وابستگی و استقلال کشور فراهم خواهد آورد. البته حضرت امام این استقلال فکری و تعهد را در کنار تخصص مد نظر قرار می‌دهند:

«ما می‌خواهیم که اگر بیماری پیدا شد، اینطور نباشد که بگویند حتماً بروید به انگلستان، حتماً بروید به آمریکا. ما می‌خواهیم که همانطوری که یک آمریکایی اگر مریض شد به ایران



□ ما یک همچون تخصصی می‌خواهیم که جوری بار بیاورد کشور را و جوان‌هایی که در رأس امور کشور هستند که این مغزهایشان وابسته نباشد و فکری جز اسلام و ایران در سرشان نباشد»

نمی‌آید و یک انگلیسی اگر مریض شد به ایران نمی‌آید، یک ایرانی هم اگر مریض شد، جای دیگر نرود. ما یک همچون تخصصی می‌خواهیم که جوری بار بیاورد کشور را و جوان‌هایی که در رأس امور کشور هستند که این مغزهایشان وابسته نباشد و فکری جز اسلام و ایران در سرشان نباشد.»

(همان، ج ۱۴، ص ۳۶۰)

ب) دانشجویان و قطع وابستگی و استقلال کشور

مهمترین قدم دانشجویان برای رهایی از وابستگی به شرق و غرب بنا به باور امام خمینی (ره) خودیابی و خودباوری است. ایشان در این رابطه می‌فرمایند:

«شما دانشجویان عزیز، خودتان درصدد این باشید که از غرب‌زدگی بیرون بیایید. این گمشده خودتان را پیدا کنید. گمشده شما خودتان هستید ... شما باید مقاومت کنید. شمایی که می‌خواهید مستقل باشید، می‌خواهید آزاد باشید، می‌خواهید خودتان سرپای خودتان ایستاده باشید، باید همه قشرها در این مملکت، همه قشرها بنابراین بگذارند که خودشان باشند.»

(همان، ج ۱۲، ص ۷)

بنابراین می‌توان بدین نتیجه رسید که استقلال طلبی متناسب با شأن دانشگاهیان دارای دو بعد سلبی و ایجابی است. استقلال سلبی همانا استعمار زدایی است که زمینه‌ساز تحقق حکومت نه شرقی، نه غربی محسوب می‌گردد و استقلال ایجابی در چارچوب خودکفایی سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی و فکری تعریف می‌شود. (دهشیری، ص ۵۲-۵۱)

سوم: حفظ و تداوم انقلاب اسلامی

اگر وقوع انقلاب اسلامی ایران را امری ضروری برای تحقق و اجرای دین خدا در میان مردم بدانیم، حفظ و تداوم انقلاب از اوجب واجبات محسوب می‌شود. بدون تردید، دانشگاه نیز باید سهم خود را در استمرار این حرکت ایفا نماید:

«من امیدوارم که دانشگاه ما یک تبدیل معنوی پیدا بکند ... آن چیزی که لازم است این است که شما که در دانشگاه هستید، شما که تماس با جوان‌ها دارید، این معنا را تذکر بدهید که این تحولی که رمز پیروزی شما بود و شما را تا اینجا رساند و این سد بزرگ شیطانی را شکستید، این تحول و این نهضت را به این معنا که هست، حفظش کنید.»

(صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۴۱۴-۴۱۲)

دانشگاه و حفظ و تداوم انقلاب اسلامی را می‌توان از دو منظر به نظاره نشست:

الف) اساتید و حفظ و تداوم انقلاب اسلامی

حضرت امام خمینی، مسئولیت اساتید دانشگاه در قبال حفظ دین و کشور را اینگونه بیان می‌کنند:

«اگر علاقه دارید به اینکه کشور شما، دین شما محفوظ بماند، این محفوظیت کلیدش دست شماست.»

(همان، ج ۱۰، ص ۴۳۹)

امام (ره) از اساتید دانشگاه می‌خواهند که از طریق هدایت دانشجویان و تربیت صحیح آنان یاری‌گر نهضت اسلامی باشند:

«امیدوارم که جوان‌های ما، اساتید ما، اساتید دانشگاه ما و ... متوجه بشوند که غفلت‌ها شده است ... باید دست به دست هم بدهیم، نویسنده کمک کند به این نهضت، گوینده کمک کند به این نهضت.»

(همان، ج ۱۰، ص ۴۳۹)

بر این مبنا، حفظ و تداوم انقلاب اسلامی منوط به حضور مؤثر و متعهدانه اساتید در دانشگاه‌ها است.



□ «بر شما جوانان ارزنده اسلام، که مایه امید مسلمین هستید، لازم می‌باشد که ملت‌ها را آگاه سازید و نقشه‌های شوم و خانمان سوز استعمارگران را برملا نمایید»

□ «ما همه مظاهر تمدن را با آغوش باز قبول داریم، لکن اینهایی که اینها دارند مظاهر تمدن نیست. این همه آدم‌کشی مظاهر تمدن است؟»

«اساتید بدانند که اگر دانشگاه را بسازند، کشورشان را بیمه کرده‌اند تا آخر»

(همان، ج ۱۲، ص ۵۰۹)

ب) دانشجویان و حفظ و تداوم انقلاب اسلامی

بخشی از وظیفه حفظ و تداوم انقلاب اسلامی نیز بر عهده دانشجویان است. امام خمینی (ره)

در جمع دانشجویان می‌فرمایند:

«شما جوانان دانشجو و جوانان عزیزی که از هر جا آمده‌اید، امید این ملت هستید که باید

این راهی را که فرا راه شما گذاشته شده است به آخر برسانید و این نهضتی را که در راه او آن

همه جانفشانی شده است، ادامه بدهید.»

(همان، ج ۱۴، ص ۱)

همچنین در جایگاهی دیگر حضرت امام بر زنده نگه داشتن شعار اسلام پافشاری می‌کنند:

«باید طلاب و دانشجویان عزیز و شجاع سراسر ایران از هر فرصت استفاده کرده و شعار

ضد شاهی را که شعار اسلام است زنده نگه دارند.»

(همان، ج ۳، ص ۴۴۳)

با توجه به موارد فوق می‌توان بدین ارزیابی دست یافت که دانشگاهیان یکی از مهمترین

کارگزاران حفظ و تداوم انقلاب اسلامی محسوب می‌شوند.

دانشگاه اسلامی - دانشگاه تمدن ساز

با نگاهی به آراء و اندیشه‌های حضرت امام خمینی درباره تمدن، آشکار می‌گردد که تمدن باید تمدن الهی و اسلامی باشد. ایشان می‌فرمایند:

«همه با هم، همه با هم به جلو برویم. همه با هم به [سوی] یک تمدن صحیح نه تمدن محمدرضایی. تمدن الهی، تمدن رسول الهی، آن که همه اقشارش را، سیاه و سفیدش را هیچ فرق نمی‌گذارد مگر اینکه به تقوا».

(همان، ج ۶، ص ۳۴۳)

امام با اشاره به گذشته، تمدن مسلمین را تمدن برتر می‌دانند و معتقدند:

«تمدن آنها (مسلمین) فوق تمدن‌ها بود، معنویات آنها بالاترین معنویات بود، رجال آنها برجسته‌ترین رجال بود ... سیطره حکومتشان بر دنیا غالب شده بود. دیدند که با این سیطره، با این وحدت دول اسلامی، نمی‌شود تحمیل کرد چیزهایی را که آنها می‌خواهند؛ درصدد چاره برآمدند؛ چاره این بود که بین ممالک اسلامی تفرقه بیندارند.»

(همان، ج ۱، ص ۳۷۵-۳۷۴)

بدین ترتیب ضرورت احیاء تفکر دینی و مظاهر تمدن اسلامی هویدا می‌شود. در این خصوص نخبگان سیاسی و فکری به طور کلی سه شیوه را در پیش می‌گیرند. عده‌ای راه چاره را پیروی از تمدن غرب و تقلید جوامع اسلامی از تجربه غربی‌ها در ابعاد مختلف توسعه می‌دانند. این خط مشی را می‌توان «راهبرد نوگرایی» نامید. گروهی دیگر که تعلق خاطر و تعهد بیشتری به ارزش‌ها، عقاید و سنن دارند «راهبرد مقاومت حفاظتی» را در پیش می‌گیرند که مبتنی بر آن تمام مظاهر پیشرفت و تمدن غرب را انکار می‌کنند.

در مقابل این دو گروه، دسته سوم، درباره غرب و دستاوردهای آن، رهیافتی گزینشی دارند. این گروه غرب را تمدنی با جنبه‌های مثبت و منفی می‌دانند. برای آنها شناخت دقیق و عمیق جنبه‌های تمدن غرب ضروری است. از سوی دیگر آنان اسلام را تمدنی با دستاوردهای جدید فرهنگی می‌دانند و خواستار ظهور اسلام همچون جنبش اجتماعی سیاسی هستند و نیز در پی بازگشت به پیام اولیه اسلام می‌باشند. این طرز تفکر را می‌توان مبتنی بر «راهبرد تجدید حیات اسلامی» دانست. (ظهیری نژاد، ص ۵۹-۵۶)



شیوه حرکت امام در قالب اندیشه اخیر قابل تبیین است. ایشان با صراحت می‌فرمایند:
«ما همه مظاهر و تمدن را با آغوش باز قبول داریم، لکن اینهایی که اینها دارند مظاهر تمدن نیست. این همه آدم‌کشی مظاهر تمدن است؟ این حکومت نظامی مظاهر تمدن است.»
(صحیفه امام، ج ۳، ص ۵۰۶)

همچنین حضرت امام خاطر نشان می‌سازند که:

«حکومت اسلامی اگر چنانچه تأسیس بشود، نمی‌خواهد که آثار تمدن را از بین ببرد، با دانشگاه مخالف نیست، با علم مخالف نیست، احادیث ما از علم آنقدر تعریف می‌کنند، از عالم آنقدر تعریف می‌کنند، ... با این نحو علمی که شما دارید ما مخالفیم. با این نحو تربیت و تعلیمی که شما می‌خواهید ما را تربیت کنید، با این ما مخالفیم. با آن مظاهر تمدن که بچه‌ها ما را فاسد می‌کند... ما با آن مخالفیم؛ نه اینکه ما مخالفیم با اصل تمدن و می‌خواهیم مردم را برگردانیم به زمان کذا»
(همان، ج ۵، ص ۲۶۴)

مسئله تمدن اسلامی مورد نظر امام خمینی برخوردار از این ارکان اسلامی است که یکی از آنها دانشگاه اسلامی می‌باشد.

فرجام

در مقام جمع‌بندی می‌توان عنوان کرد که حضرت امام خمینی با ملاحظه شأن و جایگاه خطیر دانشگاه، نقش و رسالت دانشگاهیان را گوشزد می‌نمایند. در این نوشتار سعی شد با توجه به رسالت دانشگاه در سه مقوله «انسان‌سازی»، «قطع وابستگی و استقلال کشور» و «حفظ و تداوم انقلاب اسلامی»، وظایف اساتید و دانشجویان تبیین و تشریح گردد. با ابتناء بر موارد مذکور، اساتید وارث انبیاء محسوب می‌شوند و باید آموزش را همراه با اشاعه تقوا انجام دهند. دانشجویان نیز با تزکیه نفس و تقویت ایمان خویش، به بیداری و آگاه‌سازی ملت‌ها پردازند. قطع وابستگی و استقلال کشور هم در گرو تربیت متخصصین مستقل و خودباور است. در نهایت امر نیز اساتید و دانشجویان متعهد و متخصص هستند که تداوم بخش انقلاب اسلامی ایران می‌باشند.

منابع و مأخذ:

۱. احمدی فشارکی، حسن‌علی، دانشگاه و دانشگاهیان از دیدگاه امام خمینی (ره) - تبیان موضوعی (دفتر چهاردهم)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۳
۲. خمینی، روح‌الله، کتاب البیع، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵
۳. ...، صحیفه امام (مجموعه ۲۲ جلدی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹
۴. دهشیری، محمدرضا، درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی (ره)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۱
۵. مهناز ظهیری نژاد، مناسبات امام خمینی با حرکت‌ها و مبارزان اسلامی (در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۴۳)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۵۹-۵۸
۶. علیجانی، نعمت‌اله، موانع توسعه سیاسی ایران از دیدگاه امام خمینی، تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۳، ص ۱۲۴
۷. معینی، فائزه، دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی ایرانی در آینه آرا و اندیشه‌های امام و رهبری، تهران: دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۷

